



Imam Sadiq Research Institute  
for Islamic Sciences

Research Institute for Political  
and Defence Studies

ISSN: 2538-3795

Website: <http://ids.isri.ac.ir>

Volume : 1 ; Number : 1

## Explaining the Jurisprudential Principles of Imam Khamenei Regarding the Use of Nuclear Weapons

Masoud Raei\*

Doi: <https://doi.org/10.22034/ids.2024.159136>

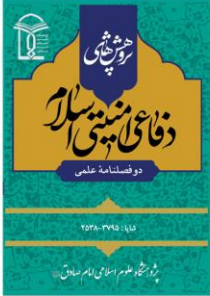
Received: 07/04/2024 - Accepted: 14/08/2024

(106-129)

### Abstract

Production, accumulation, and use of weapons of mass destruction, especially using nuclear weapons, are among the important issues in international armed conflicts. The question is: in what conditions is the use of atomic bomb allowed? The present article tries to answer the above question from the jurisprudential viewpoint of Imam Khamenei. Answering this question, on one hand, refers to the specific international time and conditions, and on the other hand, to the necessity of Ijtihad arguments. To answer this question, the qualitative research method, legal and interpretive methods, was used and the conclusion was that Imam Khamenei's view is on prohibition of production. Universal efforts aim at creating an international regime of prohibition in the form of controlling and prohibiting the distribution of weapons of mass destruction, although the international tribunal has a different viewpoint in the advisory opinion regarding the use of atomic weapons. The international regime based on the prohibition must be considered in the Non-Proliferation Treaty (NPT), Biologic Weapons Convention (BWC) and Chemical Weapons Conventions (CWC) and some administrative arrangements. Jurisprudential sources also indicate prohibition. Although there are some seemingly opposite reasons, contrary to prohibition arguments, they cannot be relied on. Explaining the reasons of this jurisprudential viewpoint is the aim of the present article. To do so, using qualitative research method: legal, jurisprudential and interpretive methods, we came to the conclusion that: the results of the research show that several reasons are the jurisprudential documents of this religious decree (the prohibition of producing nuclear weapons).

**Keywords:** Imam Khamenei, Humanitarian Law, Nuclear Weapon, Religious Injunctions, Prohibition.



\*. Associate Professor of Law, Islamic Azad University, Najaf Abad Branch, Najaf Abad, Iran, [masoudraei@yahoo.com](mailto:masoudraei@yahoo.com).



## تبيين مبانی فقهی دیدگاه فقهی امام خامنه‌ای دامنه‌السلامه در خصوص استفاده از سلاح‌های هسته‌ای

مسعود راعی\*

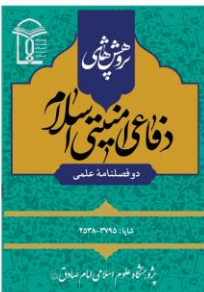
شناسه دیجیتال (DOI): <https://doi.org/10.22034/ids.2024.159136>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۳  
(۱۲۹-۱۰۶)

### چکیده

تولید، انباشت و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی، به‌ویژه به‌کارگیری سلاح‌های هسته‌ای، از مباحث مهم در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است. سخن در آن است که در چه شرایطی استفاده از بمب اتم مجاز است؟ با توجه به عنصر زمان و شرایط خاص بین‌المللی و همچنین اقتضای ادله اجتهاد، محقق تلاش دارد با انکای بر روش تحقیق کیفی (روش‌های حقوقی و تفسیری) به سؤال فوق از نگاه فقهی امام خامنه‌ای دامنه‌السلامه پاسخ دهد. یافته تحقیق از نگاه معظم له، حرمت و عدم جواز تولید می‌باشد. تلاش‌های جهانی بر ایجاد یک رژیم بین‌المللی، ممنوعیت در قالب کنترل و منع اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی است، گرچه دیوان بین‌المللی در رأی مشورتی مربوط به کاربرد سلاح‌های اتمی نظر دیگری داد. رژیم بین‌المللی مبنی بر ممنوعیت را در معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، کنوانسیون سلاح‌های سمی و بیولوژیکی (BWC) و کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی (CWC) و تعدادی ترتیبات اجرایی ارائه شده باید مد نظر قرار داد. منابع فقهی هم بیانگر ممنوعیت است. هرچند دلایلی به ظاهر مخالف نیز وجود دارد، اما در تعارض با ادله منع، قابلیت استناد ندارند. تبیین دلایل و چرایی این نگاه فقهی هدفی است که فراروی نوشتار حاضر می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** امام خامنه‌ای دامنه‌السلامه، حقوق بشردوستانه، سلاح هسته‌ای، احکام شرعی، حرمت.



\* دانشیار حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد، ایران. masoudraei@yahoo.com

## مقدمه

با تشدید فشارهای بین‌المللی بر جمهوری اسلامی به بهانه تلاش برای دسترسی به سلاح‌های کشتار جمعی از جمله بمب اتم و ایجاد نوعی نگرانی جهانی در این خصوص از سوی برخی کشورها و نهادهای بین‌المللی، همانند شورای امنیت، ضرورت تبیین دیدگاه فقهی نظام جمهوری اسلامی مشهودتر گردید. انتظار همگانی آن بود که مشخص شود با توجه به منابع فقهی، جمهوری اسلامی چه موضعی اتخاذ خواهد کرد. این تصمیم باید به دست امام خامنه‌ای دامپنازه، به‌عنوان یک مرجع تقلید، صورت می‌گرفت. معظم له باصراحت، فتوا به حرمت تولید و کاربرد سلاح اتمی داد.

اکنون، سؤال این است: چه دلایل فقهی ای می‌تواند دلیل این فتوا باشد؟

نخست آنکه یافتن این دلایل جدای از منابع فقهی و شرایط زمان و مکان نیست. از این رو، ضروری است که وضعیت مسئله در بُعد بین‌المللی مد نظر قرار گیرد، چراکه مسئله جواز یا عدم جواز فقهی تولید بمب اتم یک عنوان فقهی نوپدید است.

ادبیات حقوق بین‌الملل، به‌ویژه حقوق مخاصمات مسلحانه، تلاش برای حفظ نسل انسان‌ها و تداوم طبیعی حیات آنها در محیطی امن و عاری از هرگونه تهدید و خطر غیرقابل تحمل و به دور از جنگ و وجود سلاح‌های مخرب و خطرناک است. سازمان‌های بین‌المللی چندی، به‌ویژه سازمان ملل متحد، تحقق این مطلوب را یکی از اهداف خود دانسته است. (مقدمه منشور ملل متحد) تحقق کرامت بشری، و رشد و بالندگی همه‌جانبه انسان‌ها کاملاً به وجود یک محیط امن و سالم گره خورده است. رسیدن به این هدف، با پذیرش نسل سوم از حقوق بشر، افق جدیدی را در روابط بین‌المللی گشوده است. از بین موضوعات مربوط به حقوق نسل سوم، حق زیست سالم ارتباط دقیق‌تری با محیط سالم پیدا کرده است و شاید به سبب چنین اهمیتی، امروزه، سیصد معاهده بین‌المللی چندجانبه و حدود هزار معاهده دوجانبه در زمینه حفظ و حمایت از محیط زیست در روابط جهانی نقش آفرینی می‌کنند. (مولائی، ۱۳۸۶: ۲۷۴) این حق بیانگر حق حیات، حق زندگی با برخورداری از حداقل استانداردهای بین‌المللی و، همین‌طور، حق سلامتی است. (همان)

اسناد بین‌المللی که در زمینه حق محیط زیست سالم وجود دارند، به روشنی، به این نکته توجه کرده‌اند. برای مثال، اعلامیه استکهلم - که در واقع، نخستین سند بین‌المللی در قالب اعلامیه درباره حق محیط زیست است -، در اصل اول، بین آزادی و برابری با حق محیط زیست رابطه برقرار کرده است. (Stokholm. Declaration. Part II. principle 1)

توسعه پایدار منوط به داشتن محیطی امن و به دور از خشونت و جنگ است. اهمیت این موضوع کشورها را در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی وادار به تلاش کرده است. اروپا، آمریکا، آسیا و آفریقا، هرکدام، محوری از تلاش‌های منطقه‌ای می‌باشند. ظرفیت موجود در حقوق نسل سوم زمینه‌ای برای اعمال و اجرای حقوق بشری نسل دوم و اول است. به موازات حرکت گسترده کشورها، ضروری می‌نماید که عوامل تهدیدکننده از بین بروند یا تحت کنترل درآیند. وجود جنگ‌افزارهای بسیار خطرناک، در قالب سلاح‌های میکروبی و هسته‌ای، تهدیدی جدی بر امنیت جهانی و محیط زیست بشری می‌باشد. در عین حال، حق توسعه نیز واقعیتی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. کشورهای جهان برای رسیدن به اهداف خود - که در واقع، همان اهداف مندرج در منشور ملل متحد می‌باشند - نیازمند رشد و توسعه همه‌جانبه‌اند. آنچه در این زمینه سؤال‌برانگیز است نحوه تحقق هر دو حق از گروه نسل سوم می‌باشد، به گونه‌ای که کشورها هم توسعه همه‌جانبه را تجربه کنند و هم از محیط امن و عاری از جنگ و درگیری برخوردار باشند. به طور مشخص، توسعه هسته‌ای - هم در بُعد نظامی و هم در بُعد صلح‌آمیز - مورد مناقشه جهانی است.

در این تحقیق، تلاش بر آن است که با طرح نظریه فقهی «حرمت تولید بمب اتم»، زمینه جمع دینی هر دو حق فراهم آید.

برخی از تلاش‌های بین‌المللی در قالب مباحث حقوق بشردوستانه در قالب چهارکنوانسیون ژنو (۱۹۴۹) و دو پروتکل الحاقی (۱۹۷۷) پاسخی به این نوع مباحث است. تکیه و اصرار بر انسانی شدن جنگ و توجه ویژه به حقوق غیرنظامیان و، همین‌طور، حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی (پروتکل اول و دوم)، به نوعی، جواب به مطالبه فوق است. ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو - که باید در تمام درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی نیز اجرا شود و خود معاهده‌ای کوچک در

درون يك کنوانسیون بزرگ تلقی می‌شود و حتی در صورت بروز درگیری شدید هم قابل اجرا است - با صراحت تمام، ممنوعیت لطمه به حیات و تمامیت بدنی، از جمله قتل به همه اشکال آن، را در خصوص افراد غیرنظامی پذیرفته است. روشن است که وجود برخی از سلاح‌های جنگی می‌تواند حیات انسان را به‌جداً به خطر بیندازد. (دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، ۱۳۸۳: ۶۲)

یادآوری این نکته ضروری است که توجه و تمرکز بر مسئله بمب اتم بدان دلیل است که ادعای نوعی تعارض بین دو حق «حق بر توسعه و حق بر زیست در صلح» را به همراه آورده است و گفته شده است که حق در صلح بودن شرط لازم برای استیفای حق بر توسعه است و بیشتر آنکه حق توسعه ضامن بقای صلح یا پایداری صلح واقعی است. (ساعد، ۱۳۸۳: ۱۱۲)

از طرف دیگر، جایگاه توسعه در نظم بین‌المللی نباید مورد کم‌بینی قرار گیرد، همان‌طور که قاضی بجاوی - یکی از قضات برجسته دادگاه بین‌المللی دادگستری - معتقد است که اعمال حاکمیت سیاسی مستلزم حاکمیت اقتصادی است (ابی‌صعب، ۱۳۷۳: ۲۹۰)

با توجه به آنچه گذشت، ابتدا، لازم است مرور کوتاهی به مسئله از نظر مقررات بین‌المللی صورت پذیرد و آنگاه رویکرد فقهی به مسئله تبیین شود.

### ۱. حقوق بین‌الملل و اصول حقوق بشردوستانه

حقوق بشردوستانه، فارغ از ممنوعیت یا عدم ممنوعیت جنگ، به دنبال انسانی کردن جنگ و کاهش آلام افراد است. به‌منظور تحقق این هدف، ضروری است مسائل چندی مدنظر قرار گیرد:

- اصول اساسی همچون اصل ضرورت، اصل محدودیت، اصل تفکیک و اصل تناسب باید رعایت گردد.

- محدودیت‌های نظامی نیز باید به‌جداً مراعات شود؛ این محدودیت‌ها برخی ناظر به مسائل نظامی است، همچون ممنوعیت استفاده از تسلیحات و موادی که موجب عذاب و درد غیرضرور و رنج بیهوده می‌گردد، همچنان‌که استفاده از سلاح‌هایی که هدف آنها وارد آوردن آسیب‌های گسترده بلندمدت یا شدید به محیط زیست طبیعی است یا انتظار می‌رود

که چنین آثاری را از خود به جا گذارند نیز ممنوع است، و برخی دیگر از محدودیت‌ها مربوط به انسان و افراد غیر نظامی، همچون ممنوعیت نسل‌کشی و لزوم تفکیک رزمنده از غیررزمنده می‌باشد.

- محدودیت‌هایی وجود دارد که مربوط به جنگ‌افزارها و ادوات جنگی است. استفاده از سلاح کشتار جمعی از این نوع است. معیار این نوع سلاح‌ها، از طرفی، قدرت تخریبی و، از طرف دیگر، اهداف آنها است. اصولاً این نوع سلاح‌ها نمی‌توانند به اهداف معینی محدود شوند. (ملک‌زاده، ۱۳۸۱: ۵۳)

سلاح‌های کشتار جمعی شامل سلاح‌های اتمی، باکتریولوژیک و شیمیایی است که با علائم اختصاری A.B.C یا N.B.C و یا R.B.C به‌کار می‌روند و در فارسی به «ش.م.ه» مخفف شیمیایی میکروبی و هسته‌ای معروف هستند. سلاح‌های شیمیایی در کمیسیون تسلیحات نوع کلاسیک در سال ۱۹۴۸ تعریف شد اما دو نوع دیگر تعریف نشده‌اند.

- محدودیت دیگری که وجود دارد مربوط به روش‌های جنگی است. بر این اساس، امان ندادن، ایجاد قحطی، اعمال تلافی جویانه، خیانت و عملیات ناجوانمردانه، غارت و به‌کارگیری وسایل وحشیانه و بی‌رحمانه ممنوع است و، در نهایت، حمله به اهداف غیرنظامی - اعم از اشخاص و امکان عمومی - نیز ممنوع می‌باشد. پس، حمله به شهرهای بی‌دفاع، حمله به مناطق و استحکامات خطرناک (ماده ۵۶ پروتکل اول و ماده ۱۵ پروتکل دوم)، حمله به سدها و آب‌بندها و ایستگاه‌های تولید برق و ژنراتورهای هسته‌ای و مناطق غیرهسته‌ای و بناهای تاریخی و فرهنگی و مذهبی و نیز حمله به نهادهای هنری، علمی و میراث فرهنگی، و حمله به مناطق غیر نظامی، اردوگاه‌های اسرای جنگی و اردوگاه‌های افراد بازداشتی ممنوع است.

## ۲. دیدگاه فقهی امام خامنه‌ای رحمته‌الله

ارائه تعریفی از بمب اتم در آغاز بحث ضروری می‌نماید. علی‌رغم انتظاری که می‌رفت، در اسناد مهم بین‌المللی و از جمله معاهده منع گسترش سلاح هسته‌ای (۱۹۶۸) معروف به معاهده NPT تعریفی از بمب اتم نیامده است. پس، برای تعریف آن می‌توان به ضمیمه

پروتکل توافقات پاریس استناد کرد. براساس این سند، سلاح اتمی عبارت است از: سلاحی که در ساخت آن از مواد منفجره هسته‌ای یا ایزوتوپ‌های رادیواکتیو استفاده شده و در اثر انفجار یا دیگر تغییرات هسته‌ای، قادر به انهدام یا مسمومیت در سطح بسیار گسترده است. براساس این تعریف، آنچه سلاح هسته‌ای را از سایر سلاح‌ها جدا می‌کند و از نظر فنّ حقوقی نیز باید مدنظر قرار گیرد، قدرت انهدام یا مسمومیت بسیارگسترده آن است.

در تأیید این برداشت می‌توان به تعریف سلاح‌های بیولوژیک که در کنوانسیون ۱۹۷۲ راجع به منع گسترش، تولید و انباشت سلاح‌های بیولوژیک آمده توجه کرد. سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی (مصوب ۱۹۹۳) خصوصیت مشترکی دارند و آن پیش‌بینی‌ناپذیر بودن عوارض آن است، به گونه‌ای که حتی افراد غیرنظامی نیز به آنها آسیب‌پذیرند، بلکه می‌توان گفت: آسیب‌پذیرترند. البته، استفاده از کلیه این نوع سلاح‌ها ممنوع است.

در ماده ۱۷ معاهده ۱۹۱۹ نیز مقرر شد که استعمال گازهای خفه‌کننده، مسموم‌کننده و شبیه آن، و کلیه مایعات و مواد مشابه آن ممنوع باشد.

اما قدرت تخریب و انهدام هسته‌ای کاملاً متفاوت است. اهمیت این مسئله و وضعیت خاص سلاح‌های هسته‌ای منجر به سؤالی از سوی سازمان بهداشت جهانی به‌منظور درخواست رأی مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری شد. اگرچه دیوان این درخواست را رد کرد، ولی کار از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد دنبال شد. مجمع در قید نهایی قطعنامه ۴۹/۷۵ تصمیم گرفت که این سؤال را از دادگاه بپرسد. هرچند سؤال مجمع عمومی و جواب آن بارها مورد نقد و بررسی قرار گرفته است، آنچه در این بحث قابلیت توجه بیشتری دارد اصل سؤال مذکور است که تنها در خصوص سلاح‌های هسته‌ای مطرح شد. مجمع عمومی سؤال خود را این‌گونه مطرح کرد که آیا تهیه و کاربرد سلاح هسته‌ای در هر شرایطی بر اساس حقوق بین‌الملل مجاز است.

دادگاه بین‌المللی دادگستری نیز، بر مبنای بند ۱ ماده ۶۵ اساسنامه و بند ۱ ماده ۹۶ منشور، سؤال مذکور را قابل رسیدگی دانست و، در نهایت، با رأی قاطع رئیس دادگاه که خود موضوع قابل توجهی می‌باشد، اعلام کرد: تهدید یا توسل به سلاح هسته‌ای عموماً مغایر با حقوق بین‌الملل قابل اعمال در درگیری‌های مسلحانه است. با این حال، دادگاه در پرتو

وضعیت فعلی حقوق بین‌الملل و عناصر عینی نمی‌تواند بگوید که تهدید یا توسل به سلاح هسته‌ای در شرایط حادّ دفاع مشروع که کیان یک کشور در معرض خطر است قانونی یا غیرقانونی است. دادگاه معتقد است که در حقوق بین‌الملل عرفی و معاهده‌ای، هیچ‌گونه ممنوعیت مطلق در خصوص سلاح‌های هسته‌ای وجود ندارد. (ICJ, 1996: 537) به اعتقاد بسیاری از حقوقدانان، این رأی همچون درِ باغ سبزی بود که دادگاه به کشورها نشان داد. به‌منظور تبیین فقهی مسئله ضروری است که سؤال و جواب مذکور مورد تجدید نظر قرار گیرند. در این سؤال، چند نکته مدنظر قرار گرفته است. تهدید، توسل یا تهیه سلاح هسته‌ای و، در نهایت، شرایط حادّ دفاعی برای کشور ابعاد مختلف این موضوع می‌باشند. بنابراین، مسئله مذکور تولید، انباشت و استفاده را دربرمی‌گیرد، هرچند تمرکز اصلی سؤال بر استفاده می‌باشد.

هرچند این عنوان در فقه امامیه وجود ندارد، مباحث نزدیک به آن هم در روایات و هم در کتب فقهی نسبتاً زیاد است. در ابتدا، مفید می‌نمایاند که به برخی از عبارات کتاب مهم شیعی، به‌ویژه دایرة‌المعارف بزرگ فقهی: جواهر الکلام، نوشته شیخ محمدحسن نجفی، توجه شود. ایشان در «کتاب الجهاد» ذیل رکن ثانی به نکات مهمی توجه داده‌اند. در باب القای سمّ، عبارت مرحوم نجفی این‌گونه است:

و القای سمّ در سرزمین دشمن حرام است. همان‌طور که در کتب نهاییه، غنیه، سرائر، نافع، تبصره، ارشاد، دروس و جامع المقاصد آمده است. البته، در بسیاری از عبارات‌ها، حرمت مقید شده به موردی که اضطراری به انجام آن نباشد یا فتح و پیروزی متوقف بر آن نباشد. دلیل فقها در این مسئله روایتی است که سکونی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که حضرت از قول حضرت علی علیه السلام بیان فرمود که پیامبر صلی الله علیه و آله نهی کرد از اینکه سمّ در بلاد مشرکان ریخته شود. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۵۸) بلکه در کتاب سرائر، این موضوع را به اخبار دیگری هم نسبت داده است، هرچند من غیر از خبر مذکور موردی را یافت نکردم. و عده‌ای هم معتقد به کراهت القای سمّ شده‌اند، آنچنان‌که در کتب قواعد، تحریر، تذکره، لمعه، و شرح لمعه و غیر آنها آمده است. و این مطلب از کتاب مبسوط و از کتاب مرحوم اسکافی نیز حکایت شده است. بلکه در کتب مختلف به اصحاب نسبت داده شده است در این مبنا که نهی موجود در این

روایت بر کراهت حمل شده است، چراکه سند روایت توان و قدرت افاده حرمت را ندارد. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱: ۶۸)

چنان‌که از عبارت مذکور به دست می‌آید، فقهای امامیه در مسئله ریختن سم در سرزمین دشمن وحدت نظر ندارند: برخی به حرمت معتقدند و برخی به کراهت. ریختن سم در بلاد کفر می‌تواند معنای عام داشته باشد که هم شامل نوشیدنی‌ها و خوردنی‌ها و هم آلودگی هوا بشود. روایت مذکور و عبارت مرحوم نجفی نزدیک‌ترین سخنانی است که نسبت به موضوع این نوشتار وجود دارد.

### ۳. ادله فقهی حرمت

بحث بمب اتم در سه قلمرو تولید، انباشت و استفاده محل گفتگو است. تمرکز اصلی این نوشتار به تولید است، چراکه از طرفی، نگاه رهبری معظم انقلاب علیه السلام بر حرمت تولید می‌باشد و، از طرف دیگر، انباشت و استفاده موضوع دیگری است. آنچه از عبارت صاحب جواهر به دست می‌آید مربوط به استفاده است. بنابراین، ادله مربوط به استفاده الزاماً در تولید مطرح نمی‌شوند.

یادآوری این نکته ضروری است که در سؤال مرتبط از دادگاه بین‌المللی دادگستری، بین دو حالت تهیه و استفاده تفاوتی مطرح نشده است و گویا تولید یک موضوع پذیرفته شده است که تنها در یک نظام معاهده‌ای می‌تواند ممنوع باشد و این سخن بدان معنا است که اگر دولتی متعهد به عدم تولید نشود، دلیلی بر عدم تولید وجود ندارد. با لحاظ همه موارد پیش‌گفته، می‌توان به ادله‌ای توجه کرد که مبنا و اساس فتوای رهبر معظم انقلاب علیه السلام در این باره شده است.

### ۳-۱. حدیث لاضرر

از واژه ضرر در فارسی به کاهش و نقصان تعبیر شده است. (سبحانی، ۱۴۲۰ق: ۶۱) در نتیجه، معنای لاضرر این است: فرد به دیگری ضرر نرساند به گونه‌ای که حق او را دچار نقصان کند، و ضرر به معنای واکنش نشان دادن در مقابل ضرر وارده است. در برخی از آیات شریفه، کلمه ضرر در مقابل رشد قرار گرفته است. (برای نمونه، ر.ک. مائده: ۷۶)

روایات مرتبط با قاعده لاضرر، با ترکیب خاص شیعه و سنی، در قضیه سمره بن جندب (کلینی، ۱۴۹۷ق، ج ۵: ۲۹۲)، حدیث «شفعه» (همان، ج ۲: ۲۹۴) و حدیث «منع فضل ماء» (همان، ج ۵: ۲۸۰) از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به کاررفته است. در خصوص معنای این قاعده، مشهور فقها - از جمله شیخ انصاری در کتاب فرائد الاصول، مرحوم نراقی در کتاب عوائد الایام [عائده چهارم] و شیخ موسی خوانساری در کتاب منیه الطالب [ج ۲] - معتقدند که در محیط تشریح، حکم ضرری وجود ندارد و قاعده مذکور به صورت عقد الحمل بر اطلاعات و عموم سایر ادله حکومت دارد. (سبحانی، ۱۴۲۰ق: ۱۰۲)

اگرچه در تقریر معنای حدیث لاضرر و، به تبع آن، در معنای قاعده لاضرر، احتمالات چندی وجود دارد که می‌توان آنها را به هفت نظریه هم رساند، اما مشهور فقها این حدیث را به گونه‌ای تعریف کرده‌اند که ناظر به احکام شرعی است. بر این اساس، اگر چنانچه ضرری از حکم شرعی به جواز یا وجوب عملی حاصل شود، قاعده لاضرر - به دلیل حکومتی که بر سایر ادله دارد و می‌تواند دایره آنها را تضییق کند یا توسعه دهد - مانع حکم به جواز یا وجوب می‌شود. در نتیجه، اگر حکم به جواز تولید بمب اتم منجر به ضرر و زیان شود، به استناد قاعده مذکور، باید معتقد به حرمت تولید آن شد. با توجه به مفهوم لغوی ضرر، که پیش از این بیان شد، می‌توان گفت: اگر حکم شرعی دارای نفعی و مصلحتی - اعم از مادی و معنوی و یا فردی و جمعی نباشد - صدور و تشریح آن توجیهی ندارد.

ضرر با درک عرفی همراه است و تشخیص آن به عرف عام یا خاص گره می‌خورد، به‌ویژه اگر معتقد شویم که معیار ضرر در غیرعبادات نوعی است، نه شخصی.

در این خصوص، ممکن است این سؤال بیان شود که حدیث لاضرر شامل احکام ترخیصی نمی‌شود و حکم شارع به تولید بمب اتم از نوع احکام ترخیصی است، نه تکلیفی. (خوانساری نجفی، ۱۳۷۳ق: ۲۲۲)

این اشکال با ادبیات مشابهی در کلام دیگر بزرگان فقه و اجتهاد نیز آمده است. برای مثال، در پاسخ به این سؤال که «آیا قاعده لاضرر همه احکام الهی را شامل می‌شود یا تنها احکام وجوبی را شامل می‌شود»، بیان شده است که از عبارات شیخ انصاری و مرحوم خوئی اختصاص نفی به احکام الزامی فهمیده می‌شود، هرچند این دو تفاوتی جزئی دارند:

متبادر از کلام شیخ انصاری آن است که لاضرر تنها شامل احکام غیرالزامی که مربوط به خود فرد باشد نمی‌شود، اما اگر چنین نباشد، اگر ضرر مربوط به غیر باشد و آن ضرر نیز ناشی از حکم اباحه‌ای شارع باشد، لاضرر شامل آن می‌شود (انصاری، ۱۴۱۴ق: ۲۱).

باید گفت: اگر معنای لاضرر همان باشد که مشهور فقها فرموده‌اند، چاره‌ای نیست جز اینکه به عمومیت مفاد آن توجه شود، چراکه طبق معنای مشهور، این حدیث جنس ضرر را در محیط تشریح برمی‌دارد. از طرفی، اشکالات دیگری هم بر دیدگاه شیخ وارد است که مهم‌ترین آن عبارت است از اینکه سبب اقوی از مباشرگردد، در حالی که قضیه این‌گونه نیست (سبحانی، ۱۴۲۰ق: ۹۱).

در هر حال، از آنجاکه در اطراف این حدیث و قاعده مرتبط به آن بحث و گفتگو زیاد است، چاره‌ای نیست جز اینکه بر برخی از آنها به منظور اثبات نظر مشهور فقها توجه کرد. حاصل سخن آنکه مطابق این حدیث، مجوزی برای تولید بمب اتم در شرع مقدس وجود ندارد و کسانی که در این خصوص اشکال‌هایی داشته باشند یا مربوط به معنای لاضرر است، که برخلاف نظر مشهور رفته‌اند، یا به ابهام در تحقق ضرر ناشی از تولید برمی‌گردد: در خصوص اول، باید گفت: هرچند نظرهای دیگر قابل توجه و دقت است، ولی هر کدام از آن نظرها اشکال‌های خاص خود را دارد، که می‌توان به کتاب‌های تفصیلی در این زمینه رجوع کرد. (ر.ک. نراقی، ۱۴۱۵ق: ۴۴-۶۳)

و در خصوص مسئله دوم نیز، با لحاظ ضرر نوعی که همه فقها آن را درباره معاملات پذیرفته‌اند، جایی برای ابهام و یا اشکال باقی نمی‌ماند.

نکته پایانی در این بحث آنکه قاعده لاضرر باید حکم شرعی اولیه را ثابت کند، نه آنکه رافع حکم ضرری باشد. و این سخن دقیقی است که نتایج مهمی را به دنبال دارد.

### ۲-۳. قاعده نفی عسر و حرج

واژه حرج هم به معنای گناه آمده و هم به معنای مضیقه و سختی، هرچند در درون هرگناهی نوعی سختی و مضیقه وجود دارد. واژه عسر نیز به معنای تنگنا و مشقت است. (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج: ۱، ۳۰۵)

در توضیح این قاعده، فقها فرموده‌اند: تکالیف از نظر انجام چهار حالت دارند: بدون صعوبت، صعوبت منهای مضیقه، صعوبت همراه با مضیقه، و غیرممکن بودن و خارج از طاقت بودن.

قاعده نفی عسر و حرج مربوط به حالت دوم و سوم است، چراکه حالت چهارم مشمول تکلیف مالایطاق (تکلیف خارج از توان) می‌باشد. (نراقی، ۱۴۱۵ق: ۶۱) اگرچه برخی از فقها معتقدند که حرج شدیدتر از عسر است و هر حرجی عسر است، برخلاف عکس آن، (همان) می‌توان گفت: از نظر مصداقی، رابطه تساوی بین عسر و حرج برقرار است. آیات چندی در قرآن بر این قاعده دلالت دارند.

با توجه به آیات (حج: ۷۸؛ مائده: ۶، بقره: ۱۸۵ و ۲۸۶) و روایات (برای نمونه، کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۱۴)، می‌توان گفت: خداوند سبحان در دین مقدس اسلام حکمی که باعث حرج و مشقت باشد وضع نکرده است، به‌ویژه اگر این عسر و حرج جنبه نوعی داشته باشد و يك جامعه و يك امت را به زحمت بیندازد. ناگفته نماند که در بین فقهای امامیه يك اختلاف فرعی فقهی در این راستا وجود دارد که آیا عدم جعل و رفع از مکلفین کنایه از عدم وجوب آن حکم در نزد شارع است یا منظور از عدم جعل همان عدم جعل حکم است که اثر آن را باید در حکومت قاعده بر احکام اولیه، طبق دیدگاه اول، و تعارض آن با عمومات ادله و رجوع به مرجحات سندی و دلالتی، طبق دیدگاه دوم، دانست. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۱۸۵)

با توجه با امتنانی بودن قاعده، مضمون آن نفی حکم حرجی خواهد بود، اعم از آنکه حکم تکلیفی باشد یا حکم وضعی. با این توصیف، می‌توان گفت: این قاعده بر ادله اولیه حکومت خواهد داشت (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۱۴۱)، چنان‌که می‌توان گفت: این قاعده خود مولد حکم اولی است.

در صورت تعارض لاضرر و لاحرج، شیخ انصاری لاحرج را مقدم می‌داند، هرچند سایرین معتقد به تساقط هر دو هستند، که در نتیجه، رجوع به ادله اولیه می‌شود. (همان)

در این قاعده، مباحث زیادی وجود دارد که در خصوص بحث فعلی نیز مفید است اما ورود به آنها خود بحث مستقلی می‌طلبد.

از آنچه گذشت به دست می‌آید که شارع در وادی تشریح نباید حکمی که مستلزم عسر و حرج باشد جعل کند. از جمله مصادیق چنین حکمی، تولید و انباشت بمب اتم می‌باشد که مستلزم عسر و حرج نوعیه است، هر چند فقها وجود عسر و حرج شخصی را برای رفع حکم یا جعل حکم هم کافی دانسته‌اند. حکومت این قاعده بر سایر ادله اقتضا می‌کند که حتی اگر براساس حکم اولی، تولید سلاح‌های هسته‌ای مجاز بوده باشد، اما چون مستلزم مشقت است، جوازی در صفحه تشریح برای تولید سلاح‌های هسته‌ای وجود ندارد.

### ۳-۳. لزوم وفای به عهد

از جمله مباحث جدی در فقه امامیه بلکه در اسلام وفای به عهد و پیمان است. این معنا هم در آیات قرآن کریم و هم در احادیث نبوی و علوی مورد توجه واقع شده است. نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر، هنگامی که او را به استانداری مصر اعزام می‌کرد، شاهد صادقی بر این ادعا است و به صراحت، هر نوع بهانه‌جویی در عدم وفای به عهد را رد می‌کند.

مفسر بزرگ قرآن: علامه طباطبایی، ذیل آیه اول از سوره مائده به نکات مهمی در این رابطه توجه داده است؛ ایشان معتقد است: کلمه عقود در این آیه از باب اینکه هم جمع می‌باشد و هم دارای الف و لام [در اصطلاح اصول، جمع مُحَلّی به «ال»] مفید عام است و لذا، کلیه عقود - اعم از معاملات و غیر آن - را دربر می‌گیرد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۲۵۶) ایشان در ادامه می‌فرماید:

- آنچه که عرفاً اسم عقد روی آن می‌گذارند مثل سایر عقود واجب‌الوفای هستند، چرا که انسان بی‌نیاز از وفای به عهد نمی‌باشد و وفای به عهد سنگ بنای جامعه و زمینه تحقق حقوق فردی و جمعی می‌باشد. و خلاصه سخن آنکه اسلام وجوب وفای به عهد را به صورت مطلق لازم می‌داند، چه از پیمان مذکور سودی حاصل شود و یا خیر. و حتی اگر بعد از عهد و پیمان نیز ضرر حاصل شود، باز وجوب وفای به عهد لازم است. تحقق عدالت اجتماعی از هر امری لازم‌تر است و نقض پیمان خلاف عدالت اجتماعی است.

- و به جان خودم سوگند، وجوب وفای به عهد یکی از تعالیم عالی می‌باشد که اسلام برای تحقق عدالت اجتماعی، آن را لازم دانست و اساس اجتماعی هرگز بدون آن

شکل نخواهد گرفت. (ر.ک. همان، ج ۵: ۲۵۸-۲۶۳)

در سال ۱۹۶۸، معاهده منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای معروف به NPT تدوین شد و در سال ۱۹۷۰ نیز لازم الاجرا گردید. کشورهای عضو این معاهده، از جمله ایران، آژانس را ضامن اجرای مواد معاهده می‌دانند. هدف اصلی NPT جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای است. براساس مواد ۲ و ۳ این معاهده، ایران حق داشتن سلاح‌های هسته‌ای را از خود سلب نموده است و نظارت آژانس را نیز در همه مراحل هسته‌ای خود پذیرفته است. لذا، تولید بمب اتم را باید مصداق بارز تخلف از عهد و پیمان دانست.

### ۳-۴. عدم امکان رعایت اصول بشردوستانه در جنگ

مطابق آنچه در پروتکل اول الحاقی (۱۹۷۷) بخش چهارم و همین‌طور کنوانسیون چهارم ژنو در رابطه با حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ (۱۹۴۹) آمده است، در هر درگیری مسلحانه‌ای، حق طرف‌های درگیر در انتخاب روش‌ها و وسایل جنگی نامحدود نیست. دو قاعده اساسی که از این ناشی می‌شود عبارت‌اند از: ممنوعیت استفاده از سلاح‌ها، پرتابه‌ها، مواد و روش‌های جنگی که ماهیتاً باعث ایجاد رنج غیرضروری و زاید می‌شوند، و تضمین تفکیک جمعیت غیرنظامی و اموال از اهداف نظامی.

ممنوعیت حمله به اشخاص و اموال غیرنظامی شامل همه اعمال خشونت‌بار - اعم از اعمال تهاجمی و تدافعی - است. حمله یا تهدید به خشونت، که هدف آن ترساندن جمعیت غیرنظامی باشد که کاملاً رفتاری خلاف حقوق بشری است، نیز ممنوع است. این ممنوعیت شامل حملات کورکورانه هم می‌شود. از مصادیق حملات کورکورانه، حملاتی است که تعدادی از اهداف نظامی مشخص و مجزای درون یک شهر، روستا یا ناحیه دیگری را که تجمع مشابهی از افراد و اموال غیرنظامی را در خود جای داده است به‌عنوان یک هدف نظامی واحد قلمداد کند. پروتکل مذکور حمله به اشیاء ضروری برای بقای جمعیت غیرنظامی، مانند مواد غذایی، مناطق کشاورزی و محصولات کشاورزی و دامی، و تأسیسات و ذخایر آب آشامیدنی و کارگاه‌های آبرسانی را ممنوع می‌کند (ماده ۵۴)، همچنان‌که اعلام می‌کند که محیط زیست باید در برابر خسارات گسترده، شدید و دیرپا حمایت شود (ماده ۵۵). در نتیجه، روش‌ها یا وسایل جنگی که احتمال می‌رود چنین

خساراتی ایجاد کنند و سلامت یا بقای جمعیت را به مخاطره بیندازند ممنوع است. شبیه این عبارت در کلمات صاحب جواهر نیز وجود دارد؛ ایشان در باب «القاء السم» و پس از نقل اقوال فقها می‌نویسد:

گفته می‌شود که ریختن سم در آب و سرزمین دشمن حرام است، چراکه غالباً انجام چنین کاری مستلزم قتل اطفال، زنان، شیوخ و گروه مسلمانان در این بلاد می‌شود و، همین‌طور، سایر انسان‌هایی که کشتن آنها حرام است. بله، اگر فرض شود که این روش تنها منجر به قتل کسانی می‌شود که کشتن آنها با انواع وسایل قتل جایز است، منعی ندارد، بلکه ممکن است در قسمت اول، معتقد به عدم جواز بود، هرچند فتح و پیروزی به ریختن سم باشد، چراکه خبر سکونی که ممنوعیت را مطرح کرد اطلاق دارد. (نجفی، ۱۳۷۴: ۶۸)

پروتکل الحاقی اول در بُعد حمایت ویژه از اموال خاص (ماده ۵۶) اعلام می‌کند که در صورت وجود خطر آزاد شدن نیروهای خطرناکی که می‌توانند سبب ورود خسارات شدید به جمعیت غیرنظامی و سدها و ... شوند، نباید حمله‌ای صورت گیرد. در کتاب الجهاد وسائل الشیعه پنج روایت نقل شده است که همگی با آنچه در اسناد بین‌المللی آمده متفق‌المضمون می‌باشند. در یکی از آنها، از قول امام صادق علیه السلام نقل شده است:

هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله اراده می‌کرد که سریه‌ای را انجام دهد، آنها را فرامی‌خواند و در برابر خود می‌نشاند و، سپس، این‌گونه می‌فرمود: «به نام خدا و با یاد او سفر را آغاز کنید و در این جنگ، غلول، مثله کردن، غدر، کشتن پیران، بچه‌ها و زنان، و قطع درختان را - مگر اینکه به آن مضطر شوید - انجام ندهید و هرگاه کوچک‌ترین شما به یکی از مشرکان امان داد، آن امان اعتبار دارد تا سخن خدا را بشنود. حال، اگر تابع شما شد، برادر شما است و اگر ابا کرد، آن را به جای امنش برسانید، و در این راه از خدا استعانت بجویید» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۵۸).

شبیه به این مضمون در روایت سوم آمده است، هرچند در آن تفصیل بیشتری نیز وجود دارد، مثل آنکه سوزاندن نخل یا به آب بستن سرزمین دشمن، به آتش کشیدن زرع یا پی کردن بهایم نیز اضافه شده است. (همان: ۵۹)

به طور طبیعی، آنچنان‌که در تعریف سلاح هسته‌ای گذشت، سلاح‌های هسته‌ای توان تفکیک و رعایت اصل تناسب و ممنوعیت ایراد ضرر غیرضروری را ندارند.

### ۳-۵. سیاست‌های کلی اسلام

با نیم‌نگاهی به مباحث فقهی، سه ویژگی مهم در خصوص مباحث نظامی - که تقریباً حالت انحصاری به اسلام نیز دارد - به دست می‌آید. اسلام، از طرفی، به تربیت رزمنده توجه ویژه‌ای دارد. در قرآن کریم آمده است:

... مؤمنان، توبه‌کنندگان، عبادت‌کنندگان، سپاسگویان، سیاحت‌کنندگان، رکوع‌کنندگان، سجده‌آوران، آمران به معروف و نهی‌کنندگان از منکر، و حافظان حدود الهی هستند و بشارت ده به (این چنین) مؤمنان. (توبه: ۱۱۲)

با وجود چنین اوصاف و ویژگی‌هایی، باید معتقد بود که توجه اولیه اسلام به تربیت رزمندگان است. از طرف دیگر، اسلام اصل هدایت‌پذیر بودن دشمن و رسالت هدایت کردن دشمن را یادآور می‌شود؛ در سوره نحل، وظیفه دعوت به سوی پروردگار با حکمت و موعظه حسنه و، در نهایت، با جدال احسن تعیین شده است. (نحل: ۱۲۵) از آنجاکه نخستین گام در دعوت به حق استفاده از منطق صحیح و ارائه دلیل حساب شده است، قرآن ابتدا به حکمت کرده است؛ در گام دوم، استفاده کردن از عواطف انسانی است و موعظه و پند نیز با عواطف گره می‌خورد. این ابزار باید خالی از هرگونه خشونت، برتری‌جویی، تحقیر طرف مقابل، تحریک حس لجاجت و مانند آن باشد، و سومین گام مناظره با روش نیکو و پسندیده است. این مرحله مخصوص کسانی است که اطلاعات غلط و اشتباهی دارند که باید تخلیه شود. بدیهی است که مناظره نیکو آنگاه شکل می‌گیرد که حق و عدالت و درستی امانت و راستی بر آن حاکم باشد و از هرگونه توهین و تحقیر نیز به دور باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۱: ۴۵۶)

علاوه بر موارد فوق، قرآن کریم بر ممنوعیت هلاکت حرث و نسل نیز توجه جدی کرده است. (بقره: ۲۰۵) در این آیه خداوند انزجار خود را نسبت به کسانی که فساد می‌کنند اعلام کرده است. تجربه استفاده از این نوع سلاح‌ها نشان داده است که بمب اتم مصداق این وضعیت می‌باشد.

علامه طباطبایی در ذیل آیه ۱۹۵ سوره بقره معتقد است که احسان به دشمن همان مواجه شدن با دشمن به بهترین شکل است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۹۳)، آنچنان‌که در سوره فصلت آیه ۳۴ بیان شده است. این احسان شامل رعایت حقوق اسیران جنگی، حمایت از مجروحان، و منع از کشتار زنان، کودکان و سالخورده‌گان است.

سیاست‌های سه‌گانه مذکور، از طرفی، مانع می‌شود که رزمنده مسلمان مرتکب یکی از جنایات جنگی شود و، از طرف دیگر، هزینه مقاومت دشمن را کاهش خواهد داد و دشمن را به پذیرش دین فراخواهد خواند، زیرا به صورت محسنانه با او برخورد می‌شود. اگر قرار است که جنگ در چنین شرایطی رخ دهد، چه توجیهی برای تولید، انباشت یا استفاده از سلاح‌هایی است که تمام سیاست‌های فوق را به چالش می‌کشد. ممکن است در اینجا اشکال شود که قرآن کریم در سوره توبه ذیل آیه ۷۳ به گونه دیگری سخن فرموده است؛ در این آیه می‌خوانیم: «ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنها سخت بگیر؛ جایگاهشان جهنم است و چه بد جایگاهی است.» علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌نویسد: جهاد در این آیه به معنای اصطلاحی به کار نرفته است بلکه منظور مطلق بذل و کوشش در برابر این افراد می‌باشد. لذا، در ادامه آیه می‌فرماید: «ای پیامبر! با این افراد شدید باش و با آنها با تندی برخورد کن.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۴۵۷)

آنچه از ادبیات قرآنی به دست می‌آید بیانگر این است که جهاد و مقابله با کفار و مشرکان نمی‌تواند در جهت خلاف اصول پیش گفته باشد؛ نمی‌توان به گونه‌ای عمل کرد که هرگونه زمینه هدایت دشمن و احسان به او از بین برود و استفاده یا تولید سلاح‌هایی که این‌گونه نمی‌توانند باشند، در منطق شرعی، توجیهی ندارند. البته، حالت ضرورت و اضطرار موقعیتی است که باید به صورت استثنا مدنظر قرارگیرد و تفسیر حداقلی از آن ارائه شود، که اگر چنین نشود، می‌تواند مورد سوء استفاده قرار گیرد.

### ۳-۶. ممنوعیت جنایت جنگی

با رجوع به آموزه‌های اسلامی به دست می‌آید که انجام برخی از رفتارها در مواجهه با دشمن، به‌ویژه هنگام نبرد، ممنوع است و کسی که این رفتارها را انجام دهد مرتکب جرم

شده است. از آنجاکه وجود چنین رفتارهایی و اقداماتی ممنوع است، ارتکاب آن نیز مجازات را به دنبال دارد. مرحوم صاحب جواهر در جلد ۲۱ از کتاب شریف فقهی خود و همین‌طور مرحوم سرخسی در جلد دهم کتاب مبسوط، به تفصیل، این موضوع را از منظر فقها بحث و بررسی کرده‌اند. آنچه از کتب فقهی به‌نگارش درآمده به دست می‌آید حدود بیست رفتار ممنوع شده است. از بین این موارد، برخی شباهت زیادی به موضوع بمب اتم دارند. این تشابه از جهت آثاری است که از اقدام و به‌کارگیری اسلحه‌های خاص به وجود می‌آید.

آتش کشیدن - که در ادبیات فقهی از آن به «رمی النار» تعبیر شده است - از جمله این موارد است؛ آتش زدن - چه به صورت روش‌های قدیمی و چه با استفاده از وسایل جدید، همچون سلاح‌های لیزری یا اتمی - ممنوع است و تفاوتی هم ندارد که چه چیزی به آتش کشیده می‌شود. به طور کلی، انجام این عمل هیچ توجیهی ندارد. علامه حلی در کتاب تذکره الفقهاء موارد دیگری نیز افزوده است، همچون هدم الدور، قراق النخل و اطراق الزرع، که در ادبیات به جنگ شهرها تعمیم شده است. (حلی [علامه]، ۱۴۱۴ق، ج ۹: ۷۲) از موارد دیگر، جنگ با وسایل کشتار جمعی است که در واقع، جنگ کور است و سبب نابودی همگان و هلاکت حرث و نسل می‌شود.

در کتب روایی و فقهی چندی، از جمله جامع الاحادیث [ج ۳] و ارشاد، اثر شیخ مفید، و همچنین، کتب تاریخ همانند تاریخ طبری [ج ۶] و شرح نهج البلاغه [ج ۱۳]، اثر ابن‌ابی‌الحدید، و محاسن [ج ۱] و نیز سنن بیهقی [ج ۸]، اثر بیهقی، موارد دیگری نیز بیان شده است. از مهم‌ترین این موارد، سوزاندن اشخاص است، که در کتب روایی با عبارت «رمیهم بالنیران» تعریف شده است و، همین‌طور، ممنوعیت استفاده از شیوه‌های ناپسند و نامناسب که مخالف کرامت انسانی باشد. تخریب ساختمان‌ها و ویرانگری نیز از دیگر موارد ممنوعیت است.

استفاده از سلاح‌های هسته‌ای همه‌ی موارد پیش‌گفته را دربردارد. در نتیجه، توجیهی برای استفاده از آن در فقه وجود ندارد. با ملازمه عقلی می‌توان گفت: اگر استفاده توجیهی ندارد، تولید با توجه به هزینه‌های بالا و خطرات و مراقبت‌های ویژه مرتبط هم توجیه ندارد، مگر آنکه در نزد عقلای جهان، وجود یک دلیل قطعی تولید صرف را توجیه‌پذیر کند.

با وجود آنچه بیان شد، ممکن است سؤالی در این خصوص مطرح شود. این سؤال ناشی از وجود يك روایت در باب ۱۸ از ابواب جهاد العدو در «کتاب الجهاد» از کتاب وسائل الشیعه [ج ۱۵] است. این باب تنها سه روایت دارد. در روایت اول، از امام صادق علیه السلام از قول پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که حضرتش از کشتن زنان و کودکان نهی کرده است. این ممنوعیت مربوط به زنان و کودکانی است که در منطقه جنگی دشمن (دارالحرب) به سر می‌برند مگر آنکه دفاع مشروع باشد و این در صورتی است که این افراد دارای امنیت با مسلمانان بجنگند. شیخ حر عاملی ذیل این روایت فرموده است: اگر کشتن زنان و کودکان در دارالحرب ممنوع است، پس، کشتن آنها در دارالاسلام به طریق اولی ممنوع است.

این روایت از سوی مشایخ ثلاثه - یعنی شیخ طوسی، شیخ کلینی و شیخ صدوق - نیز نقل شده است. اما شیخ حر عاملی در باب ۱۶ از همین جلد (ج ۱۵) از قول محمد بن یعقوب کلینی روایتی مخالف را نقل می‌کند. مضمون روایت این است که حفص بن غیاث نقل می‌کند که از امام صادق علیه السلام سؤال شد در مورد شهری از شهرهای دارالحرب؛ که آیا به آب بستن به این شهر، یا آتش زدن و یا با منجنیق آتش به طرف این شهر پرتاب کردن، جایز است یا خیر؟ به طور مشخص، اگر این اقدام منجر به کشته شدن زنان، کودکان و افراد پیر شود و، همین‌طور، از بین رفتن اسرای مسلمان یا تجار مسلمان را به دنبال داشته باشد، آیا باز می‌توان رفتارهای فوق را انجام داد؟ آن حضرت علیه السلام در جواب فرمود: «انجام این کار منعی ندارد و لازم نیست که سربازان اسلام از این عمل خودداری کنند و در صورت ارتکاب نیز دیه‌ای بر آنها وجود ندارد.» به ظاهر این دو روایت تعارض دارند.

در جواب می‌توان گفت: این روایت مربوط به دفاع مشروع - آنها هم در صورت وجود اصل ضرورت - است. و الا، توجیهی برای کشتن اسرای مسلمان به دست خود مسلمانان وجود ندارد، در حالی که می‌دانیم تنها مورد جواز مربوط به «تترس» است.

### ۳-۷. معروف و منکر

از اصول پذیرفته شده در فقه امامیه امر به معروف و نهی از منکر است. براساس این اصل کلی و بنیادی، هر فعلی که انجام آن تأمین کننده یک مصلحت مهم برای فرد یا جامعه باشد، ضروری است که برای تحقق آن اقدام کرد، چنان که اگر کاری منجر به از دست رفتن یک مصلحت مهم شود، باید جلوی آن را گرفت. مراحل مختلف این فریضه الهی در کتب فقهی به تفصیل بیان شده است.

مصادیق مختلفی در عرصه روابط بین‌المللی برای امر به معروف و نهی از منکر می‌توان یافت. آنچه معروف است مورد رضای شارع است و باید نسبت به آن امر داشت. در مقابل، آنچه منکر است باید از آن نهی کرد. اکنون، این سؤال مطرح است: آیا تولید بمب اتم مصداقی از کارهای معروف است یا خیر؟ اصولاً، می‌توان گفت: کار خوب کاری است که در نزد عقل پسندیده باشد و عقلای عالم نیز آن را بپذیرند، چنان که می‌تواند در نزد شارع نیز قضیه همین‌طور باشد. هم شارع و هم عقل، برای آنکه کاری را خوب تعریف کنند، منافع و مضار آن را مقایسه کرده و نتیجه‌گیری می‌کنند. برای مثال، شارع مقدس در قرآن کریم، پس از آنکه به منافع شراب توجه کرده است، در یک مقایسه، ضررهای آن را نیز ملاحظه کرده است و، در نتیجه، آن را مصداق یک عمل پلید ارزیابی کرده است و، در نهایت، دستور داده است که از آن اجتناب شود. (ر.ک. بقره: ۲۱۹) این داستان در خصوص میسر (قمار) هم مطرح است. چنین روش عقلانی‌ای در مورد بمب اتم نیز می‌تواند و بلکه باید مطرح باشد. در رویکرد قرآنی، کار منکر برای همه کشورهای و امت‌ها ممنوع است و بزرگ یا کوچک مطرح نیست و باید از آن نهی کرد. بدیهی است که استدلال فوق برپایه احکام ثانویه و حکومتی قرار داده نشده است بلکه بر مبنای فقهی امر به معروف و نهی از منکر شکل گرفته است.

نکته شایان ذکر توجه به بند ۶ از معاهده NPT است. این بند مصداق یک معروف است که باید به حکم عقل به آن امر کرد که از باب مستقلات عقلیه، حکم شرعی نیز آن را تأیید می‌کند، چراکه خلع سلاح هسته‌ای و تلاش برای برداشتن این نوع تسلیحات در جهان یک امر مطلوب عقلانی است و جهان در آرامش و صلح بدون تسلیحات به مراتب بهتر

از جهان در آرامش با تسلیحات هسته‌ای است، چراکه هیچ ضمانتی برای عدم استفاده آن وجود ندارد.

به منظور کامل‌تر شدن بحث، یادآوری چند نکته ضروری است:

قرآن کریم از مسلمانان خواسته است که آنچه از توان و قوه - اعم از نظامی و غیرنظامی - وجود دارد بهره بگیرند. (انفال: ۶۰) از مضمون آیه به دست می‌آید که مسلمانان باید به هر آنچه که عنوان قوه و نیرو بر آن صدق می‌کند مجهز باشند و البته، داشتن سلاح‌های اتمی هم یکی از این توانمندی‌ها شمرده می‌شود. در عین حال، نکاتی چند در اطراف این آیه وجود دارد که توجه به آن مفید است:

از طرفی، در آیه شریفه کلمه نیرو آمده است که معنای عامی دارد و نمی‌توان آن را در سلاح خلاصه کرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۲۲۲)

از طرف دیگر، آیه در مقام داشتن و برخوردار بودن از نیرو است، نه الزاماً تولید کردن آن. در ادامه آیه به فلسفه چنین اقدامی اشاره شده است و آن عبارت است از: ترساندن دشمنان خداوند.

روشن است که در هر عصر و زمانی، ابزار ترساندن دشمن متفاوت است. حالت بازدارندگی می‌تواند، بسته به شرایط، متفاوت باشد. در عصر کنونی که ادبیات حقوق بشری به طور گسترده مورد توجه جهانیان واقع شده، پذیرش داشتن بمب اتم به بهانه بازدارندگی جای تأمل دارد، چراکه صلح و امنیت انسانی را با خطر مواجه کرده و نگرانی از آن به صورت فراگیر مطرح شده است.

نکته دیگر آنکه هر چند برخی از فقها به اصل اولیه جواز در معاملات معتقدند و اصل را بر صحت هر عمل معامله‌ای (به معنای عام) قرار داده‌اند، که در نتیجه، براساس آن، جواز تولید مطابق اصل خواهد شد و منع آن نیاز به ارائه دلیل دارد. ولی روشن است که رجوع به این اصل در موارد شک امکان‌پذیر است و چنان‌که در خصوص موردی دلیل مخالف وجود داشته باشد، نمی‌توان به اصل مذکور استناد کرد.

## نتیجه‌گیری

تولید، انباشت و استفاده از سلاح هسته‌ای همیشه يك بحث جدی در عرصه حقوق مخاصمات مسلحانه بوده است؛ تلاش برای انسانی شدن جنگ یک دغدغه جهانی است؛ تنفر از انجام اقدامات غیرانسانی که کرامت بشری را به خصوص در زمان جنگ به چالش می‌کشد از اولویت‌های دیروز، امروز و فردای جامعه جهانی می‌باشد. از آنجاکه مباحث حقوقی در نظام حقوقی ایران ریشه در منابع فقهی دارد، بهترین پاسخ در این رابطه رجوع به منافع فقهی در قالب احکام اولیه است. هرچند در این رابطه می‌توان به احکام ثانویه و حکومتی نیز توجه کرد، ولی اولویت بحث در تعیین احکام اولی فقهی است.

در این مقاله تلاش بر آن بود تا دلایلی که می‌تواند مستند فتوای امام خامنه‌ای رحمته‌الله در ارتباط با حرمت تولید بمب اتم قرار گیرد مورد بحث واقع قرار گیرد.

با رجوع به منابع فقهی، دلایل مختلفی بیانگر حرمت تولید بمب اتم می‌باشد؛ برخی از این دلایل در پرتو وفای به عهد خود را نشان می‌دهد که تخلف از عهد و پیمان حرام می‌باشد؛ برخی دیگر از ادله با عناوین لاضرر و لاجرح دنبال شده‌اند. آنچه لازم به ذکر است اینکه هرچند استناد به لاضرر - به عنوان يك قاعده حاکم - بیانگر عدم جواز تولید است، ولی نمی‌توان چنین حکمی را الزاماً حکم ثانویه دانست، چراکه در مواردی، لاضرر مانع از جعل حکم می‌شود و در مواردی، لاضرر حکم موجود را به دلیل ضرری بودن برمی‌دارد و در مواردی، خود جعل حکم می‌کند. در نتیجه، نمی‌توان این‌گونه بیان کرد که اصولاً تولید بمب اتم جایز است و تنها در صورتی که از جواز چنین حکمی ضرری به وجود آمد به حکم قاعده لاضرر آن را ممنوع کرد، بلکه موضوع به گونه‌ای دیگر است. به نظر می‌رسد که اصولاً مقتضی جواز تولید وجود ندارد، چراکه قواعد کلی حلیت و جواز ناظر به امور عقلایی است، اموری که عقل مسلم آن را رد نمی‌کند، که اگر چنین نبود، باید گفت: هیچ حرامی در کار نخواهد بود مگر آنکه ضرری باشد، بدین معنا که در افعال زشت و قبیح نیز اصل بر جواز می‌باشد (مقتضی وجود دارد) ولی به دلیل وجود این ضرر حکم به جواز نمی‌شود.

خلاصه سخن آنکه اولاً و بالذات، ممنوعیت تولید بمب اتم را نمی‌توان در عناوین

ثانویه یا حکومتی تعیین کرد. در نتیجه، بدون وجود يك مصلحت مهم که به هیچ وجه نباید فوت شود، نمی‌توان از جواز تولید سخن گفت. البته، استفاده خود به طریق اولی ممنوع است.

نقطه تمایز رویکرد امام خامنه‌ای دامپله به بمب اتم از اسناد بین‌المللی را باید در جواز تولید تعریف کرد، چراکه مطابق NPT، تولید، حداقل برای کشورهای دارا امری مسلم است و اگر ممنوعیتی برای تولید است، ناشی از توافق و حقوق معاهده‌ای می‌باشد. والا، دلیل دیگری بر ممنوعیت نمی‌توان یافت. این در حالی است که ضوابط کلی در این نگاه فقهی تولید را بر نمی‌تابد، هرچند توافقی هم در این خصوص وجود نداشته باشد. افزون بر این، حقوق بین‌الملل به طور قطعی نمی‌تواند ممنوعیت استفاده را بپذیرد و این در حالی است که در نگاه فقهی ایشان، استفاده از بمب اتم با روح رزمنده بودن همخوانی ندارد. کرامت انسانی اجازه هر نوع رفتاری در جنگ را نمی‌دهد. در نتیجه، اسلام نگاه متمایزی به حقوق بشردوستانه و حقوق بشر در این خصوص ندارد و در حقیقت، چنین آورده‌ای از اختصاصات نظام حقوقی اسلام می‌باشد.

## کتابنامه

- ابی‌صعب، ژرژ (۱۳۷۳). مفهوم سازمان‌های بین‌المللی، ترجمه ایرج پاد، تهران، علمی و فرهنگی.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۴). رسائل الفقهیه، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- بجنوردی، حسن (۱۴۱۹). القواعد الفقهیه، قم، هادی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰). الصحاح، بیروت، دارالعلم للملایین.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البتیت رحمته‌الله.
- حلی [علامه]، حسن بن یوسف (۱۴۱۴). تذکره الفقهاء، قم، مؤسسه آل‌البتیت رحمته‌الله.
- خوانساری نجفی، موسی بن محمد (۱۳۷۳ق). رساله فی قاعده نفی ضرر، تهران، المکتبه المحمدیه.
- دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشر دوستانه (۱۳۸۳)، قواعد اساسی کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی، ترجمه هاجر سیاه‌رستمی، تهران، جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران.
- ساعد، نادر (۱۳۸۳). «قطعه‌نامه سپتامبر ۲۰۰۴ و عملکرد شورای احکام»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۵، ص ۱۰۳-۱۱۸.
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۰ق). نیل الوطر من قاعده لاضرر، قم، مؤسسه تعلیماتی تحقیقاتی امام صادق رحمته‌الله.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ملک‌زاده، سعید (۱۳۸۱). «محدودیت‌های نظامی در حقوق بشر دوستانه»، ارائه‌شده به همایش حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه.
- مولانی، یوسف (۱۳۸۶). «نسل سوم حقوق بشر و حق به محیط زیست سالم»، فصلنامه حقوق، دوره ۳۷، ش ۴، ص ۳۷-۶۹.
- نجفی، محمد حسن (۱۳۷۴). جواهرالکلام فی شرح شرایع الإسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق). جواهرالکلام فی شرح شرایع الإسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

نراقى، احمدبن محمد مهدى (بى تا). عوائد الايام فى بيان قواعد الاحكام، قم، مؤسسه آل البيت ع.

ICJ Opinion (1996), Legality of the Threat of Use of Nuclear Weapons, [www.icj-cij.org/docket/files/95/7497.pdf](http://www.icj-cij.org/docket/files/95/7497.pdf)